

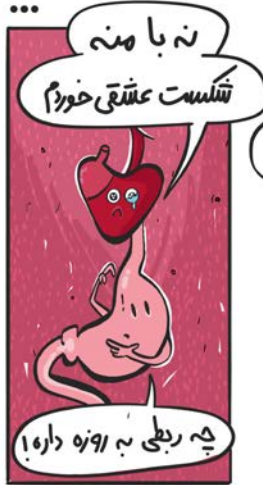


# شلمون

سال پنجم | شماره‌ی ۳۶  
چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ | بها: خا!



فاطمه ندیمی



## همراه با ضمیمه شلمون سال ۱۴۰۳ آخرین شلمون سال ۱۴۰۳ ۴ صفحه

عیدی به شلمون فوآنان به مناسبت جشن تولد ۵ سالگی نشریه

مزنیات بیشتر در صفحه‌ی ۲،۲۵

شبکه ifilm تو ماه رمضان اینطوری که ساعت ۱۸ با مستوران ازت گریه میگیره؛ ساعت ۱۹ میخندوندت؛ ساعت ۲۰ به گریه میندازدت؛ ساعت ۲۱ زنگ تفریح، چیز خاصی نداره؛ ساعت ۲۲ هم ستایشش رو پخش میکنه که خودش باعث افسردگی مزمن میشه. خلاصه شبای ifilm، احساساتتو خوب تنظیم می‌کنه؛ نگاه کنی، فیض ببرید.

مجید نجفی \*

پزشکیان: یادم نمی‌آید زمان انتخابات گفته باشم قیمت دلار دست دولت است! شلمون: نمی‌دونم کی گفته بود قراره برا تسهیل امور دولت از هوش مصنوعی استفاده کنن. ولی بی‌صاحب الآن خلأش بدجوری احساس می‌شه! بابا بچنین هوش طبیعی دولت دیگه یاری نمی‌کنه!

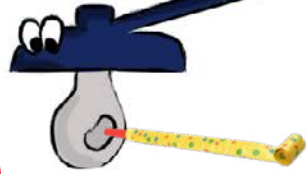
شجره چرخ‌گیر \*

اسرائیل تو خاک سوریه به جوری جولان میده که جولانی جولان نمی‌ده! قبلاً فقط تو جولان اشغالی، جولان میداد الان به لطف جولانی کل سوریه رو کرده جولانگاه جولانای خودش!

مجید نجفی \*



# ما و این طفل درازی آرزومند ما!



تولد، تولد، تولدت مبارک ...

دست دست دست! اون عقیبا دست!

تولد شلمونه دیگه. چی؟! هیییییسس!

وایسا بینم! معنی شلمونو نئیدونین هنوز؟! اگر مازندارانی هستی که یه پتیک بکیر از خودت. اگه نیستی که ر.ک گوگل جان.

انزویا نیفته، دست، دست! لطفاً با هدیه وارد شوید. یه وقت پارچ و لیوان و پتو نیارینا، بچه‌س دلش می‌شکنه. نگاه به قد شلمون و کمر شکسته‌ش نکنین، این بچه شیطون، تازه ۵ سالش تموم شد. بچه‌س دیگه؛ باید شیطنت کنه تا در بزرگسالی به فزونی غلظ برسه. {ر.ک احادیث ائمه}.

امسال مکتب رفت. چندتا

سوره کوچیک حفظه. الان

هم روزه کله‌گنجشکی

می‌گیره. یواشکی خوراکی

می‌خوره؛ ما

هم

مثلاً

ندیدیم.

از مهر سال جدید،

پیش‌دستانی می‌ره.

قراره مطالب جدید یاد

بگیره. اینشالا باسوادتر می‌شه.

همیشه سر کوچه‌ست و پرا انرژی.

باز خدارو شکر مثل بچه‌های

آپارتمان‌نشین امروزی، شبیه میل

خونه نشد.

همه علاقه‌ش، بودن تو کوچه و

روشن کردن مسیر ملته. حتی با

وجود قطعی‌های با برنامه و بی‌برنامه برق و ناترازی‌ها انرژی. شلمون متولد سال ملتهب و پراز نگرانی کروناست. بر همه دنیا وحشت حاکم بود. زانر کم‌دی جایی نداشت. چه خون دلی خوردیم و جونی کندیم تا این جوانه کوچیک و ناتوان شلمون، تبدیل به نهال تر و تازه شد! مشکلات و مصائب جامعه رو دیدیم و غم نان و جان بنی‌آدم خوردیم اما به خودمون حق ندادیم که ناامید بشیم. ادامه دادیم؛ صادقانه، دوستانه، بی‌اد و اطوار، بی‌توقع، بی‌جا و بی‌مکان حتی برای جلسات چند ساعته هفتگی تحریریه!

بی‌مزد و منت، افتان و خیزان قلم زدیم. کاملاً برخاسته از دل که ان‌شا... بر دل مخاطبین نشسته باشه.

متلک‌هایی هم شنیدیم، نجومی! از وابستگی

به احزاب سیاسی گرفته تا دستمزدهای

هنگفت! ابروهامون بالا رفت؛ چشمامون

گرد شد و لب و لوجه‌مون بین چیزی شبیه به

خنده و بهت، گیر کرد. {دقیقاً همین شکلی که

تصور کردین!} الان هم هر کسی که به این عقیده

هست؛ خودش یا هرکسی که معرفی کنه رو

دعوت به همکاری می‌کنیم. اینجا مجلس

بی‌ریاست.

برای اینکه خستگی این سال‌های

شلمون از بین بره همه با هم دست،

دست، تولدت مبارک...!!!!

قطع شد؟ مگه ساعت چند؟ ای

بابا... می‌گن قطعی بی‌برنامه بود.

البته برای شلمون و مایی که

پاش نشستیم، بی‌برق و بابرُق

توفیر نداره.

شلمون مثل همیشه،

سختی‌هاش برای خودشه و

خنده‌هاش تقدیم به شما

مخاطبین.

مریم صدیقی

سیده فاطمه زهرا حسینی



# از یمن تا حزبستان ۱۰۰۰ فاصله!



در شماره  
قبلی  
شلمون،

مصاحبه‌ای با کمال  
شرف داشتیم (می‌توانید  
از کد کیوآر بالای صفحه  
بروید بهره‌مند شوید)  
و قرار گذاشتیم  
کاریکاتورش را به او  
هدیه دهیم و واکنشش  
را ثبت کنیم. شاید تصور  
کنید واکنش یک طنزپرداز  
باید پرهیاهو و بانمک باشد؛  
اما کمال اتفاقاً در کمال طمأنینه  
برایمان نوشت: «این هدیه  
عالی‌ست» به علاوه  
آرزوی قبولی  
نماز و  
روزه‌ها!

اخبار روزهای اخیر و هشدارهای بی‌تعارف یمنی‌ها  
به صهیونی‌ها را که دنبال کرده باشید، دستن  
می‌آید که یمنی‌ها با کسی شوخی ندارند و - حوادث  
و مصائب که سهل است - سنگ هم بیارد، پشتیبان  
مقاومت فلسطینند. این‌ها همه بهانه‌ای شد تا سری  
بزنیم به تعدادی از کاریکاتورها تولیدشده‌ی کارگاه  
یک‌روزه‌ی «از یمن تا طبرستان» که با زحمت جبهه  
هنرمندان حرا، راهنمایی‌های استاد عباس گودرزی و  
حضور ارزشمند کارتنویست یمنی، کمال شرف، برگزار شد.

در این آثار، علاوه بر بازتاب جنبه‌های ظلم‌ستیز مردم یمن،  
به ریشه‌های مشترک ما شمالی‌ها با این مردم غیور هم اشاره  
شده؛ که توصیه می‌کنم برای اطلاعات بیشتر به شماره  
۳۵ شلمون در سایت ما سری  
بزنید که تکرار مکررات  
نکنیم و بنشینیم این  
دو-سه صفحه  
کاریکاتورمان  
را با خیال  
راحت  
بینیم!



یمن

طبرستان





سیده فاطمه زهرا حسینی

سید محمد سالم



نازنین اسماعیل زاده



## رگ یمنی

ابوالقاسم سیفی کناری

آتا تیر جنگل دنیا دله باشه، یمنه!  
دشمنون سایه پیدا بوه حمله کتنه  
این شجاعت، این نترسی، خله آشنا زنه چون  
آتا رگ وشونه مازرونی هسه کتنه!

ترجمه:

تو جنگل دنیا اگه به بیر باشه؛ اون یمنه!  
اگه سایه دشمنان پیدا بشه حمله می کنن.  
این شجاعت و نترسی آشنا به نظر میاد چون  
می کنن به رگ اون ها مازندرانیه!

## نیسون در حیفا

ابوالقاسم سیفی کناری

منه ول کنین می خوام برم سفر  
من می خوام پیرش کنم توی خطر

آی بیگین غزه کدوم وری می رن؟  
کجان اسرائیلیای کره خر؟!

به پلنگ مازرون نشون بدین  
راه رفتن به سمت دردسر

پای ما شمالی‌ها فقط باهس  
برسه به اون جا تا تموم شه شر

کله-مله ما داغه واسه ی  
تِرکوندن هر چی مقر-پقر

درون میدون جنگ ، ما و شما  
شما صدتا صدتا ، ما نفر نفر

بیاییم اونجا ، شما رو بریزیم  
توی دریایی مثل دریا خزر

جاده چالوس بکشیم تو اورشلیم  
بچه‌ها اونجا بیان سیزده به در

دنیا باید ببینه با شلوارک  
جمعه‌ها تهرانیا میان ددر

هر چی خونه-مونه تو تل آویوو  
کرایه‌ش بدیم جا ویلا، آخ پسر!

دیمونا و عکا کنسرت بذاریم  
بخونه بهنام بانی قرص قمر

توی حیفا شنبه بازار بزینیم  
نیسونه بار بزینیم باز تا کمر

پتخال نارنگی یا برنج و سیب  
از فریدونکنار و ساری و آمل و بابل و قائمشهر و بهشهر و نوشهر و نور و محمودآباد و نکا تا رامسر و بابلسرا



سیده فاطمه زهرا میرزکی



سیده فاطمه زهرا حسینی

# حاج آقا؛ مسألتن

سیده فاطمه حسینی

حاج آقا من به پسر ۱۸ ساله دارم روزه نمی‌گرفت ولی الان سر عقل اومده. واسه هر روز روزه چقدر باید کفاره بدیم؟ به به فقیر غذا بدیم بسه؟  
حاج آقا: برو بالا!  
مسئله پرس: به ده تا فقیر غذا بدیم؟  
حاج آقا: برو بالا!

مسئله پرس: به ۵۰ تا فقیر؟

حاج آقا: برو بالا!

مسئله پرس: شصت تا؟

حاج آقا: بزن قدش!!

مسئله پرس: حالا حاج آقا الآن

که می‌خواد روزه بگیره چقدر

ثواب می‌کنه؟ گناهش بخشیده

می‌شه؟

حاج آقا: برو بالا!

مسئله پرس: ثوابش دو برابر می‌شه؟

حاج آقا: برو بالا!

مسئله پرس: نفس هاش حکم تسبیح داره؟

حاج آقا: برو بالا!

مسئله پرس: خوابشم عبادته؟

حاج آقا: بزن قدش!!



سجاد گیل پور

اینایی که پیگیر نامه‌ی گمشده‌ی ترامپن و خیلی جدی دارن تمام وقایع ممکن‌الوقوع برای این نامه رو فهرست و بررسی می‌کنن؛ اینایی که امیدوارن که فرضاً با پیدا شدن این نامه، راه حل مشکلات تحریم و معیشت و اقتصاد کشور کشف می‌شه ...

این افراد آدم زندگی هستن! بچسبید بهشون!

یعنی شما اگه تو صورت این‌ها تف بندازین؛ صاف تو چشمشون زل بزنین و فحش خانواده بدین؛ جیبشونو بزنین؛ به خاک سباهشون بنشونین؛ حتا عزیزترین کسشون رو هم سلاخی کنین؛ باز می‌تونین ازشون انتظار دوستی و نرمخویی داشته باشین!

آخه ترامپ اگه عرضه داشت که تو زمان کرونا به مردمش تجویز نمی‌کرد به خودشون وایتکس تزریق کنن! حتا از اون بدتر، اگه عرضه داشت قیمت تخم‌مرغ تو آمریکا رو ثابت نگه می‌داشت که واسه‌ش قیامت به پا نشده.

شجره چرخ گیر \*

## گمشده

یک عدد «قدرت خرید» آفتاب سوخته و لاغر گم شده است از یابنده تقاضا می‌شود وی را به نزدیک‌ترین صندوق پستی نیااندازد! (چون جثه کوچکی دارد و توی صندوق جا می‌شود؛ ممکن است به اشتباه بیافتید).  
بلکه ما را مطلع ساخته و جمعی را از نگرانی نجات دهید.  
مژدگان‌های محفوظ می‌باشد (شامل مقادیر قابل توجهی دعای خیر جمعی از اهالی محله پایین)

رنجانه کاری





## نگاه مارشناسانه به سال جدید

شکریانو



سال ۱۴۰۴ در گاهشماری چینی سال مار نامیده شده و الآن هر گوشه اینترنت که

سرک بکشید یک نفر دارد از طالع بینی این سال تفسیر و تعبیر خودش را به ملت قالب می‌کند. حالا همین‌ها، بعضی‌هایشان همین دیروز از هر چیز چینی بد می‌گفتند یا وقتی بهشان می‌گفتی «نماز!» می‌گفتند به خرافه اعتقادی ندارند! به هر شکل، ما هم گفتیم از قافله جان‌نایم و تصمیم گرفتیم در پیشواز سال جدید انواع «مار» در مازندران را به شما معرفی کنیم:

۱- **مار (بله؛ مار خالی!)**: مار دیگر چیست؟ خزنده ای که نیش می‌زند؟ خیر! باید اینجوری پیرسیم: «مار کیست؟» خوب زیاد طفره نرویم مازندران‌ها به مادر می‌گویند مار. می‌گویید بی‌احترامی نیست؟! نخیر هم! بی‌احترامی این است که مادران را به اسم کوچک صدا بزیند.

۲- **جان مار**: نوع دیگر مار است که میزان مهر و عطفوت آن اشیاع شده است. (قابل توجه اونا که بالاتر نگران بی‌احترامی بودن!) به معنی «مادر جان» است و عشق همه پسرهای مازندران که مخصوصاً اگر زن داشته باشند این‌طور مادرشان را صدا می‌زنند.



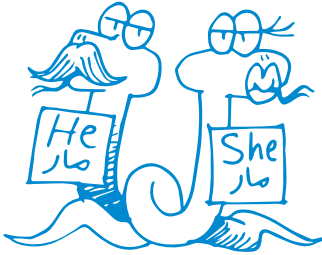
۳- **خورده مار**: کسی که مار خورده و افعی شده؟ نه! کسی که مار او را خورده؟ باز هم نه! کسی که مادر را خورده؟ باز هم نه! کسی که مادرش او را خورده؟ نه بابا لوس بازی بس است! «خورده مار» کسی است که مادر نیست ولی باید به عنوان مادر او را بپذیرند و انواع خوب و بد دارد. آری زن بابا را خورد ماری می‌گویند.

۴- **زن مار**: مادری که زن هست؟ نه! چقدر عجولین! همه مادرها زن هستند؛ اینم من باید بهتون بگم؟! زن مار همان مادرزن است. بسیار داماد دوست می‌باشد و خیلی مواقع دیده شده بیشتر از دخترش به داماد می‌رسد. ولی در مقابل، داماد این حس را نسبت به مادرزن ندارد و او

را به چشم دخالت‌کننده در زندگی می‌بیند. اگراره‌ی آخر نظر شخصی نگارنده است و شلمون در قبال آن هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرد!

۵- **شی مار**: مادرشوهر! (حس که عمراً نمی‌توانستید بزیند؛ کارتان را راحت کردم) بله همانی که هیچ عروسی نیست که از او راضی باشد. همانگونه که هیچ شماری نیست که از عروش راضی باشد! و این یک حس دوطرفه است.

۶- **ماریم**: نه! ما مار نیستیم! شما شاید موزمار یا مارموز باشید ولی من را با خودتان جمع ننیدید. باید بگویم این مار به عکس مارهای قبلی مادر نیست؛ یعنی اصلاً



انسان نیست. ماریم در زبان مازندران به ساقه گیاهان رونده می‌گویند. اگر گفتید مثل چی؟ آفرین خربزه ماریم یا کبی (کدو دیگه) ماریم. دیده شده ماره هم می‌گویند مانند خیار ماره!

۷- **مارک مارک**: حتماً بلافاصله ذهنتان سمت مارک (برند) یا مارک (واحد پول آلمان) رفت! حتماً فکر کردید دو بار نوشتنمان هم یعنی خیلی مارک! اگر به جای خارجی‌تری شدن، مازندران‌تر شده بودید بدون اعراب این واژه را می‌خواندید. بگذریم! بعضی از کلمات در فارسی دوقلو هستند مثل کم‌کم، نَم‌نم و غیره. مارک مارک هم اینطور است به معنی نرم و محتاطانه عمل کردن و بی‌گدار به آب زدن. «به کاری رو مارک مارک انجام دادن» یعنی وقت گذاشتن و فرصت گذاشتن. دیگه خیلی مارک مارک هم کار کنی تبدیل به لس می‌شوی که شرح این یکی باشد برای آینده.

۸- **مارمه**: هر چی بیشتر می‌گذرد عجیب‌تر می‌شود؛ نه؟ شوربختانه یا خوشبختانه مارمه هم ربطی به مادر ندارد! بلکه رسمی است که در مازندران انجام می‌پذیرد. و بدین‌گونه است که بعد از تحویل سال فردی خوش‌قدم که بیشتر کودک یا ریش سفید (شاید هم گیس سفید) است به عنوان اولین نفر در سال جدید با سینی قرآن وارد خانه می‌شود و برکت و شگون برای سال جدید آن خانواده به همراه می‌آورد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سید محمد جواد طاهری  
کاری از کارگروه طنزستان طبرستان



با تشکر از روح... پهماسی و میلاد منتظری